



نمایی از فیلم می سی سی پی می سوزد



نمایی از فیلم مکالمه



نمایی از فیلم ناپخشوده



جین هکمن و همسرش بتسی آراکاو در دوران بازنشستگی

در آن موفق ظاهر نشد. «ارتباط فرانسوی» بعد از آغاز دنباله‌سازی‌های هالیوود که با «پدر خوانده» شروع شده بود، ساخته شد و همچون خیلی از دنباله‌های آن سال‌ها مانند «جن گیر» و «آرواره‌ها» نتوانست خاطره خوب قسمت اول را تکرار کند.

▼ **بازیگر فیلم‌های دست کم گرفته شده**

«حرکت‌های شبانه»، همکاری دیگر هکمن با آرتور پن، دیگر کار شناخته‌شده این بازیگر در سال ۱۹۷۵ و در دهه ۷۰ میلادی بود، نئونواری که در آن این بازیگر در نقش یک فوتبالیست حرفه‌ای که حالا تبدیل به یک کارآگاه خصوصی شده، ظاهر می‌شود. او در نقش هری ماسبی در حین جست‌وجو برای دختر نوجوان گم‌شده یک بازیگر سابق سینما، درگیر مجموعه‌ای از اتفاقات شوم می‌شود. بسیاری از منتقدان از «حرکت‌های شبانه» به‌عنوان یکی از دست‌کم گرفته‌شده‌ترین فیلم‌های دهه ۷۰ میلادی یاد می‌کنند. عبارت «دست‌کم گرفته‌شده» به‌نوعی با تعدادی دیگر از آثار هکمن در دهه ۷۰ مثل «مکالمه» و «مترسک» نیز گره خورده است. فیلم‌هایی که در میان هیاهوی آثار پرزرق‌وبرق و مهم دهه ۷۰ میلادی تا مدت‌های زیاد گم شدند، ولی دوستداران جدی سینما بعد از سال‌ها به اهمیت آنها معترف شدند. هکمن در اواخر دهه ۴۰ تا اوایل دهه ۵۰ زندگی خود برای مدتی به سمت نقش‌های کناری فیلم‌ها گرایش پیدا کرد و نقش‌های مکمل فیلم‌هایی چون درام جنگی پرخرج اما کم‌اثر «پلی در دردست»، فیلم ابرقهرمانی پرسروصدا «سوپرمن» و اثر عظیم «سرخ‌ها» ساخته وارن بیتی را بازی کرد.

▼ **بازگشت با هوزرها**

با این حال نیمه دوم دهه ۸۰ میلادی، بازگشتی دوباره برای هکمن بود. او در فیلم «هوزرها» محصول ۱۹۸۶، یک برگشت قدرتمند در عرصه نقش‌های اصلی - آن هم در سنین میان‌سال - را تجربه کرد. هکمن در فیلم «هوزرها» در نقش یک مربی کارکنش با اصول و منضبط به‌نام نورمن دیل ظاهر می‌شود که به شهری کوچک می‌آید تا تیم بسکتبال آن شهر را به موفقیت برساند. فیلم به‌عنوان یکی از الهام‌بخش‌ترین آثار سینما شناخته می‌شود؛ اثری که احتمالاً موفقیت‌اش، تأثیری بر آثار بعد از خود مانند «انجمن شاعران مرده» نیز داشت. این بازیگر بزرگ سینما، یک دهه پرکار و پربار دیگر نیز در زندگی خود دارد که می‌توان آن را به‌صورت جامع مورد بررسی قرار داد. هکمن بعد از بازگشت دوباره با «هوزرها» و «میسسیسیپی می‌سوزد» در دهه ۹۰ بسیار مورد توجه فیلمسازان قرار گرفت. او در همان ابتدای این دهه در نقش بیل کوچولو - کلانتر شهری کوچک - در فیلم «نابخشوده» ایستود، توانست دوباره برنده جایزه اسکار شود. او در این فیلم نشان داد که بهترین گزینه برای ایفای نقش ضدقهرمان‌های بی‌رحم و خشن در این سن‌وسال است. بعدها وقتی سم رمی تصمیم به ساخت «سریع و مرده» گرفت، به‌نظر هیچ بازیگری مناسب‌تر از هکمن برای ایفای نقش الن مکزی نبود. حالا که خبر درگذشت نامتعارف این اسطوره سینما در کنار همسرش آمده است، سوالی که پیش می‌آید این است که آیا مرگی این چنین «حق و سزاوار» هکمن بود یا به‌قول ایستود، سزاوار بودن ربطی به این قضایا ندارد!

گانگستر خردپا در سینما تبدیل به چهره شد. این بازیگر آمریکایی اما تلاش کرد تا خود را در نقش گانگسترهای خردپا که چهره زمخت‌اش مناسب آنها بود، کلیشه نکند. او بعد از موفقیت در فیلم «بانی و کلاید»، سال ۱۹۷۰ با فیلم کوچک و جمع‌وجور «هرگز برای پدرم آواز نخواندم»، در نقش یک استاد دانشگاه ظاهر شد که با پدر سالخورده‌اش چالش‌های زیادی دارد. او نتوانست با این نقش، دوباره نزد منتقدان تحسین شود. هکمن در نقش جین گریسون در «هرگز برای پدرم آواز نخواندم»، یک دوئل سینمایی پراثری با ملوین داگلاس، بازیگر سالخورده آن سال‌های هالیوود دارد. فیلم، داستان استاد دانشگاهی است که می‌خواهد خود را از سیطره پدر پیر کارزماتیک‌اش خارج کند. این فیلم برخلاف «بانی و کلاید»، از امتحان تاریخ سرریلند خارج نشد با این حال نقش آفرینی پرشور بازیگرهای فیلم یعنی هکمن، داگلاس و استل پارسونز هنوز دیدنی و کم‌نقص است. جین هکمن با این فیلم در سن ۴۰ سالگی نامزد جایزه اسکار مکمل شد. برای درک این موضوع که هکمن خیلی دیر به شهرت و موفقیت رسید کافی است نگاهی به دیگر بازیگران مهم تاریخ سینما در این سن‌وسال ببینیم، کمتر بازیگری در تاریخ سینما این اندازه دیر به اولین نقش اصلی مهم زندگی‌اش دست پیدا می‌کند. سال ۱۹۷۱ وقتی ویلیام فریدکین تصمیم گرفت فیلم «ارتباط فرانسوی» را بسازد، هکمن را برای نقش اصلی فیلم یعنی جیمی دوپل پاپا، پلیس سمج نیویورک انتخاب کرد هیچ‌کس گمان نمی‌کرد این فیلم هکمن را به یک بازیگر پرکار فیلم‌های تجاری و هنری دهه ۷۰ تبدیل کند. بازیگری که دیگر وقت خالی نداشت و بین پروژه‌های هنری و تجاری در رفت‌وآمد بود، به‌طوری‌که بدون تردید می‌توان به او لقب موفق‌ترین بازیگر نیمه اول دهه ۷۰ را داد. یک‌سال بعد از کسب اسکار نقش اول مرد، او در فیلم پرفروش «ماجراجوی پوزایدون» که با بودجه ۴ میلیون دلاری ساخته شد و ۱۲۵ میلیون دلار فروش داشت، بازی کرد و نشان داد که یک بازیگر قابل اعتماد در گیشه است و موفقیت تجاری و انتقادی «ارتباط فرانسوی»، تصادفی نبوده است.

هکمن اما به‌خوبی از جایگاه خود مراقبت کرد. او مسحور رقم‌های پیشنهادهی نشد و تلاش می‌کرد وجهه هنری خود را حفظ کند. سال ۱۹۷۳ او تنها در یک فیلم - آن هم اثر جاده‌ای غیرمتعارف «مترسک» ساخته جری شاتزبرگ - ظاهر شد؛ فیلمی که نخل طلای کن آن سال را دریافت کرد. «مترسک»، قصه دو مرد سرگردان است که در جاده بیرون شهری با هم آشنا می‌شوند و یک دوستی زیبا بین آنها شکل می‌گیرد. جین هکمن در ادامه با فیلم «مکالمه»، نگاه‌ها را به خود خیره کرد. او در نئونوار «مکالمه» ساخته کم‌نقص فرانسویس فرود کوپولا در نقش هری کاول - متخصص خدمات مربوط به استراق‌سمع - بازی می‌کند. جالب اینجاست که «مکالمه»، برنده نخل طلای کن سال ۱۹۷۴ شد و هکمن به بازیگری لقب گرفت که ستاره نقش اصلی دو فیلم برگزیده جشنواره کن در دو سال متوالی بوده است. نقش کوتاه پیرمرد نابینایی «فرانکشتاین جوان» مل بروکس نیز، یکی از شوخ‌طبعی‌های هکمن در انتخاب نقش در تاریخ سینماست که نمونه‌های انگشت‌شماری مثل آن پیدا می‌شود.

سال ۱۹۷۵ جین هکمن با دومین قسمت «ارتباط فرانسوی» به کارگردانی جان فرانکن‌هایمر، دوباره روی ترازوی گیشه رفت تا توانایی خود را در کشاندن تماشاگران به سینما مجدداً نشان دهد؛ کاری که البته

بازداشت به‌خاطر صدا

هیوا سیفی‌زاده، در پی اجراء در عمارت روبه‌رو بازداشت شد



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

عمارت روبه‌رو با انتشار بیانیته‌ای در استوری اینستاگرامش اعلام کرده است، این مجموعه فرهنگی هنری تا اطلاع ثانوی تعطیل است و هزینه‌ای که تماشاگران برای بلیت پرداخت کرده‌اند، در اسرع وقت به آن‌ها عودت داده خواهد شد. عمارت روبه‌رو این استوری را پس از انتشار خبر بازداشت هیوا سیفی‌زاده، خواننده موسیقی سنتی و نوازنده تنبک در شب پنجشنبه نهم اسفندماه منتشر کرد. براساس شنیده‌ها هیوا سیفی‌زاده، پس از اتمام قطعه نخست و اندکی پس از آغاز قطعه دوم با قطع صدا و توقف اجرا مواجه شد.

هیوا سیفی‌زاده متولد سال ۱۳۷۶، خواننده موسیقی سنتی و نوازنده تنبک، از شاگردان معصومه مهرعلی است که نوازندگی تنبک را نزد مهدی اصفهانی، توری موسیقی ایرانی را نزد ارزنگ سیفی‌زاده و تصانیف موسیقی ایرانی را نزد سارنگ سیفی‌زاده آموخت. از جمله رویدادهایی که منجر به دیده‌شدن سیفی‌زاده شد، نخستین جایزه موسیقی همایون خرم (۱۳۹۳) برگزارشده در رده سنی ۱۶ تا ۲۰ سال با هدف فرهنگ‌سازی برای موسیقی اصیل در رده سنی پایین بود. جشنواره‌ای که رضا خرم، فرزند همایون خرم و سیاست‌گذار این رویداد، در سال ۱۴۰۱ در قالب یک ویدئو برگزاری آن را منوط به داشتن موقعیت برابر هنری دختران با پسران اعلام و بیان کرد، تا هنگامی که دختران هم بتوانند در موقعیت برابر هنر خود ارائه کنند، این جشنواره برگزار خواهد شد. او همچنین اضافه کرده بود: «شخص من دیگر نخواستم این محدودیت به‌ناحق را درباره دختران سرزمینم در جشنواره‌ای که به‌نام پدرم است، تکرار کنم و ببینم.» این ویدئو موجب شد که رسانه‌ها از تیتز «محدودیت صدای زنان دلیل توقف نوای خرم»، برای آن چه بر این رویداد گذشته بود، استفاده کنند. با این حساب هیوا سیفی‌زاده، شامگاه پنجشنبه نهم اسفندماه، به همان دلیلی بازداشت شد که نخستین جشنواره‌ای که با آن دیده شد، متوقف شد؛ محدودیت صدای زنان. این خواننده موسیقی سنتی و نوازنده تنبک که در آموزشگاه‌های موسیقی نیز مشغول به تدریس است، همچنین در چندین کنسرت - نمایش از جمله «کوچه عاشقی»، «ناکجا‌باد» و «کافه عاشقی» روی صحنه رفت.

از زمان انتشار خبر بازداشت هیوا سیفی‌زاده، بخشی از سخنرانی او با موضوع «برخاستن» در حال دست‌به‌دست شدن است. او در این بخش وایرل شده از سخنرانی‌اش چنین می‌گوید: «مگر استعداد یک موهبت الهی نیست؟ مگر من و شما تصمیم گرفته‌ایم که چه استعدادی در سرشت چه کسی وجود داشته باشد که حال، من و شما تصمیم بگیریم که فرد از استعدادش استفاده کند یا خیر؟ چه کسی، در چه جایگاهی و با چه قدرتی می‌تواند چنین تصمیمی بگیرد؟ شما می‌دانید هزاران نفر به دنیا می‌آیند، بدون آن که ذره‌ای از سرشت‌شان را بشناسند، زندگی می‌کنند و بعد هم حیات‌شان تمام می‌شود و از دنیا می‌روند. برای کسی که این خوشبختی نصیب‌اش شده که استعداد خود را شناخته است، چه کسی با چه قدرتی و در چه جایگاهی اجازه دارد که چنین موهبتی را از ما بگیرد؟» او در این نشست که ششم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ در موسسه «صبح خلاق تهران» برگزار شد، همچنین از تجربه تلخ‌اش از کنار گذاشته‌شدن از رقابت‌های جهانی موسیقی موغام در جمهوری آذربایجان، به‌دلیل عدم صدور مجوز و جایگزین شدنش با یک خواننده مرد به‌عنوان نماینده ایران گفت. بسیاری از موسیقی‌دانان، فعالان مدنی و حقوق‌زن از سال‌های دور به ممنوعیت آواز خواندن زنان اعتراض داشته و دارند. از جمله محمدرضا شجریان که این ممنوعیت را «حذف نیمی از ظرفیت موسیقی» توصیف کرده و گفته بود: «صدای زن از موسیقی ایرانی حذف‌شدنی نیست.» او در طول دوران حیاتش ده‌ها آوازخوان زن تربیت کرد.



از هالیوود دست بکشند. هکمن به امپایر گفته بود: «آنچه تیر خلاص را زد درواقع یک آزمایش استرس بود که در نیویورک انجام دادم. دکتر به من توصیه کرد که قلبم در وضعیتی نیست که بتواند کوچک‌ترین استرسی را تحمل کند.»

این بازیگر پیش از این به لری کینیگ از سی‌ان‌ان گفته بود که در دهه ۱۹۹۰ برای درمان آنزین قلبی، عمل آنژیوپلاستی داشته است. او در آن زمان گفته بود: «سعی می‌کنم مراقب خودم باشم. ترس زیادی ندارم، بلکه ترس عادی از مردن دارم. می‌دانید، حدس می‌زنم که همه‌ی ما به آن فکر می‌کنیم به‌خصوص وقتی به سن خاصی می‌رسیم. دلم می‌خواهم مطمئن شوم که همسر و خانواده‌ام تحت مراقبت هستند. غیر از این، ترس‌های زیادی ندارم.»

هکمن از همسر اولش فایه مالتس، سه فرزند داشت؛ کریستوفر، الیزابت و لزلی. این زوج از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۸۶ باهم بودند و بعد از آن جدا شدند. مالتس در سال ۲۰۱۷ درگذشت. لزلی هکمن که ماه‌ها با پدرش صحبت نکرده بود، اشاره کرد که پدرش قبل از مرگ در شرایط جسمانی خوبی بود، بتسی آراکاو خیلی خوب از او مراقبت می‌کرد و قصد داشتند که به نیومکزیکو سفر کنند. با این حساب شاید بتوان مرگ بر اثر دلایل طبیعی و بیماری را از میان دلایل مرگ حذف کرد.

اواژانس تماس گرفته بود، گفته بود که در ورودی خانه‌ی این زوج باز است. وقتی کارآگاهی به صحنه جرم اعزام شد، هیچ نشانه‌ای از ورود به‌زور به خانه‌ی آن‌ها پیدا نکرد. همچنین به‌نظر می‌رسید که همه چیز سر جای خودش قرار داشت. در صحنه جرم هیچ نشانه‌ای از جست‌وجو در وسایل این زوج یا مفقود شدن چیزی دیده نشد. پلیس تمام ساختمان و گاراژ را که درش قفل بود، بررسی کرد که محرز شد هیچ چیز از اموال این زوج کم نشده است، بنابراین احتمال سرقت هم خط خورد.

این زوج دو سگ دیگر هم داشتند که آن‌ها را در حال پرسه در ملک - یکی داخل خانه و دیگری بیرون خانه - سالم پیدا کردند.

▼ **قتل، مرگ خودخواسته یا طبیعی**

موارد عجیب‌وغریب پیدا شده در محل سکونت این زوج از جمله در ورودی باز، بخاری برقی جابه‌جاشده به حمام، بطری قرص و قرص‌های پراکنده شده، وجود دو سگ زنده و سگ سوم مرده و این موضوع که هکمن در اتاقی جدا از آراکاو قرار داشت، احتمال قتل این زوج را بالا می‌برد. پلیس ارشد ساتتافه گفته است که این زوج ممکن است «قربانی قتل‌ی دونفره، خودکشی یا مرگ تصادفی شده باشند» یا فقط «به‌دلایل طبیعی، هم‌زمان» مرده باشند.

جین هکمن با خانم آراکاو در دهه ۱۹۸۰ ملاقات کرد؛ زمانی که این خانم به‌صورت پاره‌وقت در یک سالن ورزشی در کالیفرنیا کار می‌کرد. هکمن از زمان بازنشستگی‌اش از بازیگری در سال ۲۰۰۴ درباره‌ی مشکلات سلامتی‌اش کاملاً شفاف بود و در سال ۲۰۰۹ اعلام کرد، دکترش از او خواسته که به‌خاطر فشار بر قلبش

نیاز به تحقیقات بیشتری دارد. براساس گفته‌های پلیس و طبق کالبدشکافی اولیه، هیچ نشانه‌ای از جراحت که منجر به مرگ شده باشد وجود ندارد، اما با این حال دلایل کافی «مشکوک» برای تحقیق در این باره وجود دارد.

یکی دیگر از گمانه‌زنی‌هایی که برای دلیل مرگ مطرح شد، مرگ بر اثر گازگرفتگی بود الیزابت جین، دختر هکمن هم مشکوک بود که شاید مونوکسیدکربن باعث مرگ آن‌ها شده باشد اما شرکت گاز به‌سرعت وارد عمل شد و اتصالات و لوله‌های گاز را بررسی و اعلام کرد که هیچ نشانی گازی دیده نشده است. همچنین با آمدن جواب آزمایش مونوکسیدکربن، مدارک حاکی از این بود که مرگ بر اثر گازگرفتگی نبوده است، بنابراین باید منتظر نتایج کالبدشکافی آن‌ها شد.

همچنین مأموران صحنه جرم، یک بطری داروی تجویزی و قرص‌های پراکنده‌ای را روی کمد حمام در نزدیکی جسد آراکاو پیدا کردند. همچنین سگ ژرمن شپرد این زوج در کمد دستشویی نزدیک به جسد خانم آراکاو مرده پیدا شد.

اما جسد هکمن در جای دیگری در نزدیکی آشپزخانه در حالی پیدا شد که یک سوییشرت ورزشی خاکستری، تی‌شرت آستین بلند آبی و دمپایی قهوه‌ای به‌پا داشت. عینک آفتابی و یک عصا کنار جسدش بود. انگار او برای پیاده‌روی رفته بود یا از پیاده‌روی برگشته بود که همان‌جا مرگ گریانش را گرفته بود.

کارآگاه پرونده حدس می‌زند که این بازیگر به‌طور ناگهانی به زمین افتاده است. یکی از دلایلی که باعث شد مرگ آن‌ها مشکوک اعلام شود و نیاز به تحقیقات بیشتر داشت این بود که فردی که با